مجاهد

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال اول | شماره ۴۹ | چهارشنبه ۳۰ میزان ۱۳۸۲ | ۲۶ شعبان المعظم ۱۴۲٤ – | 22 October 2003

مرمقاله

قانون اساسی وچند اولویت ص۲

تشکیل ادبیات دری در عهد سامانیان ص٦

تاریخ معاصر افغانستان دریادداشت های وزیردربار شاه ایران ص ٥

انتخابات لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در بدخشان برگزار شد

محترم استاد ربانی با دوازده تن دیگر به عنوان نمایندگان مردم انتخاب شدند



روز پنجشنبه ۲۴ میزان انتخابات نمایندگان لویه جرگه تصویب قانون اساسی در شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان برگزارشد.

در این انتخابات به تعداد ۷۵۰ تن از نمایندگان دور نخست انتخابات لویه جرگهٔ اضطراری از سراسر بدخشان ۲۸ ولسوالی شرکت و رزیده بودند.

این انتخابات زیر نظر دفتر یونیمای سازمان ملل متحد وهیأت کمیسیون انتخابات لویه جرگه برگزار گردید و برای رای گیری چهار صندوق مشخص شده بود.

۲۳ نفر کاندیدای نمایندگی بودند که از جملهٔ آنان سیزده تن به عنوان نمایندگان انتخابی برنده شدند.

استاد برهان الدین ربانی و خانم دکتر انیس گل از مرکز، مولوی عبدالرحمن انوری از ولسوالی راغ، عبدالبصیر عشرت و عبدالرحمن محمودی از ولسوالی کشم، عبدالولی نیازی از ولسوالی درایم، عبدالرشید اشراقی از ولسوالیهای بهارک و شهدا، دکتر عبدالودود از ولسوالیهای جرم و خاش ، نور احمد از ولسوالی درواز، امان الله هیمان از ولسوالی یمگان ، عبدالوهاب حازم از ص۸

ص۲

سخنی درباره قانون تشکیل احزاب سیاسی

په اسلامي کنفرانس کې دافغانستان ګډون ستر نړیوال بریالیتوب دي

په مالیزیا کې داسلامي هیوادونو دمشرانو په کنفرانس کې دافغانستان داسلامي انتقالي دولت رئیس محترم حامد کرزي ګډون کړي و. چې دا زموږ دملک له پاره ستره کامیابي ګڼل کیږي دطالبانو په واکمنۍ کې دافغانستان چوکۍ خالي وه. او دا چې داموقعیت بیا ته افغانستان ته ورکړل شو، دایوه ستره ملي او نړیواله بریا ده.

ښاغلي کرزي دکنفرانس برخه والو ته په افغانستان کې په تیرو دووکلونو کې دشویو کارونو په باب رڼا واچوله او مشران یې دیته را وهڅول چې دافغانستان په بیا جوړونې کې په خلاص مټ مرسته وکړي ۸مخ



مسودهٔ قانون اساسی چرا چاپ نشد!؟

حامد کرزی: **بسیار مسایل مهمی وجود دارد که در ابتدا به آن توجه نشده بود**
اما حالا ضرور دانسته شد تا در متن قانون اساسی گنجانیده شود

مسودهٔ قانون اساسی افغانستان که قرار بود به زودی نشر شود، امابه تعویق افتاد. این موضوع را آقای کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ضمن این که کار اعضای کمیسیون تسوید و تدقیق قانون اساسی را ناکافی دانست و روی برخی نقیصه ها در متن قانون انگشت گذاشت.

مطابق گزارش بی بی سی که شبهنگام ۲۷ میزان به نشر رسید، آقای کرزی دلیل عدم نشر به موقع قانون و مطابق وعدهٔ قبلی را موجودیت نقیصه هایی دانست که درکار طرح و تدوین قانون اساسی وجود داشته است:

"برای آن که برخی نکات ارزشمند به سود مردم افغانستان در متن جا داده شود، ضرورت این تعویق پیش آمد."

"حامد کرزی می گوید: "بسیار مسایل مهمی وجود دارد که در ابتدا به آن توجه نشده بود اما حالا ضرور دانسته شد تا در متن قانون اساسی گنجانده شود."

حامد کرزی ضمن بر شمردن نقیصه ها در متن قانون مانند موضوع تعیین شرایط نصب در شورا، جلوگیری از فساد اداری و شرایط انتقال و استعفا که به گفته ایشان در متن قانون از نظر افتاده است وحالا باید با دقت تمام درج قانون گردد، به این نکتهٔ فوق العاده ص۷

له بحران څخه دوتلو لاره

سلیمانخیل

زموږ تاریخي وطن د ۱۳۵۷ کال څخه راهیسي له کړکیچ او بحران سره مخامخ دي. هغه وخت چې نړیوال پر دي پوه شول، چې په افغانستان کې د کړکیچ مخه ونیول شي، نو له سیاسي اړخه یي دبن غونډ جوړ کړه چې دا په وطن کې دبحران دمنځه وړولپاره مقدمه وه. دملي دپخلاینې په دې دوران کې چې جمعیت اسلامي څومره فداکاري کړي دي دلمرغوندي ځلیدونکي دي.

وریسي په اضطراري لویې جرګې کې د حالاتو په نظر کې نیولو سره دښاغلي کرزي په ریاست د انتقالي دولت په راوستوکي دجمعیت اسلامي دمدبر مشر ونده ځرګنده ده جمعیت اسلامي د دولت سیال نه بلکې دیو ځارن او لازښود په توګه له دولت سره همکاري کوي. دا ځکه چې خپله جمعیت اسلامي د همدې نظام په راوستوکي لومړي قدم ایښي دي اوس نو چې په وطن کې د اساسي قانون دجوړولو له پاره لویه جرګه جوړیږي او وریسي عمومي انتخاباتو تر سره کیږي زموږ هیله داده چې دیوه سري یا ډلګي له پاره کارونه شي. بلکې دیو سیستم جوړولو له پاره متې را ــدوو هوا ږ دجمعیت اسلامي سیاستیوه لازښود تل پر دي اصولي دریځ ټینګار کړی دی ص۷

سفیر افغانستان در ایالات متحدهٔ امریکا:

مردم افغانستان خواهان تطبیق شریعت اسلامی نیستند!

سید طیب جواد سفیر افغانستان در ایالات متحدهٔ امریکا ضمن یک مصاحبهٔ مفصل تلفنی باگری تامس خبرنگار رادیو صدای آمریکا گفته است: «مردم افغانستان نمی خواهند قانون شریعت یگانه قانون در زندگی آنان باشد» صدای آمریکا این مصاحبه را در برنامهٔ صبحگاهی ۲۴میزان به نشر سپرده است. سید طیب جواد مطابق آنچه صدای آمریکا از قول گری تامس خبرنگار خود انتشار داده است؛ چنین می گوید:

«اکثر مردم افغانستان نمی خواهند که در قانون اساسی قوانین شرعی جا پیدا کند. قانون اساسی به دین اسلام احترام خواهد کرد، اما مردم افغانستان نمی خواهند که دین اسلام وشریعت اسلام تنها قانون زندگی آنان باشد.» آقای جواد افزود: انتخابات به تعویق خواهد افتاد، اما این صرفاً برای چند ماه می باشد.

افسران برکنارشدهٔ وزارت دفاع باری دیگر دست به تظاهرات زدند

تعداد کثیری از افسران برکنارشدهٔ وزارت دفاع برای پنجمین بار در جاده های کابل به تظاهرات احتجاجی پرداختند.

تظاهرات ساعت ۹صبح روز دوشنبه از چمن حضوری آغاز گردید.

افسران بر کنار شده و معترض وزارت دفاع باشعارهای: «زنده باد حق! مرگ به کسانی که وعده می دهند و وفا نمی کنند.» از استقامت چمن حضوری به جانب دفتر نمایندگی سازمان ملل در کابل به راهپیمایی پرداختند.

در جریان این راه پیمایی برخی چهره ها سعی در سؤ استفاده از این تظاهرات کردند، اما اشتراک کنندگان به آن اعتنایی نکرده گفتند: مافقط حقوق خود را می خواهیم وحرکت ما جریان سیاسی نیست. ما از ملل متحد، از یونیما واز حقوق بشر می خواهیم حق ما را به مابدهند .

ماتعیین سرنوشت می خواهیم. این راه پیمایی در مقابل دفتر یونیما به تحصن وراه بندان مبدل گردید وبه درخواست جدی مبنی برپرداخت معاش باقی ماندهٔ افسران وتعیین سرنوشت آنان اکتفا کرد. اعتراض کنندگان، در پی این راه پیمایی عصبی وظاهراً حق طلبانه به کدام توفیقی دست نیافتند و تهدید کردند در صورت عدم توجه به خواست آنان اعتراضات خود را گسترده تر خواهند ساخت.

ص۳

رمضان ماه خودسازی و دگرگونی

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل - چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

قانون اساسی و چند اولویت

با آن که مدت درازی از آغاز کار کمیسیون تدقیق قانون اساسی سپری می شود و قرار بر این بود تا این کمیسیون طرح مسوده قانون اساسی را که توسط کمیسیون تسوید اماده شده بود انسجام بیشتر بخشد هنوز هم از نشر مسوده جهت نظر خواهی از مردم خبری نیست و افزون بران رئیس دولت در سخنان تازهٔ خود گفته است که مواردی بسیاری مهم دیگر نیز وجود دارد که باید در قانون اساسی گنجانیده شود و این امر باعث گردیده است تا نشر مسوده به تاخیر بیفتد.

به هر حال اکنون که در استانهٔ تدویر شورای بزرگ (لویه جرگه) تصویب قانون اساسی قرار داریم، باید توجه بیشتر به نکاتی در قانون اساسی متمرکز گردد که برای ایندهٔکسور و مردم ما سرنوشت ساز می باشد:

- اسلام به عنوان دین مقدس مردم ما، منبع و مایه‌افتخارات تاریخی کشور و رهنمود زندگی مردم ما بوده است و بایسته است که به حیث مهمترین عامل تامین وحدت ملی، اساس و درونمایه‌قانون اساسی را بسازد. در این رابطه باید از هرگونه سهل انگاری، جدا پرهیز گردد.
- قانون اساسی باید متضمن تشکیل نظام پارلمانی در کشور باشد و قوای ثلاثهٔ مقننه، قضائیه و اجراییه و حدود صلاحیت و اجراات انان را تفکیک نماید. امیزش و اختلاط کنونی این قوا در احوالی که کشور به سوی دموکراسی و اصلاحات اداری گام برمی دارد، بسیار ناشایسته و سوال برانگیز است، زیرا هم اکنون برای تصویب قوانین، پارلمانی وجود ندارد و شورای وزیران که در واقع رهبری قوای اجراییه را به دوش دارد، به وضع قوانین نیز می پردازد که این عمل با اصول و مبانی مردم سالاری در تضاد قرار دارد.
- قانون اساسی باید مواردی را تضمین نماید که بالاخره به تامین عدالت اجتماعی بینجامد. هر فرد جامعه باید احساس کند که سهم لازم خود را در امور کشوری دارد و حقوق و ازادیهای فردی و اجتماعی او رعایت و تضمین گردیده است. زیرا حقوق بشر، یک شعار محض نبوده است و حق طبیعی هر شهروند می باشد که به امتیاز طلبی و برتری جویی ها خاتمه بخشد. برعلاوه قانون اساسی باید حق کار، داشتن مسکن، تامین معیشت، ازادی بیان، حق اشتراک در فعالیت های سیاسی و اجتماعی را که از حقوق ابتدایی و اساسی افراد است، تضمین نماید و رعایت ان را از مکلفیت های دولت بداند.
- قانون اساسی باید مواردی را تامین و تسجیل نماید که افغانستان را به عنوان یک کشور کاملاً مستقل، به سوی خود کفایی بکشاند و استقلال کشور را در امر اتخاذ تصامیم در سطح ملی و بین المللی تضمین کند.

ارتش نیرومند از نیازمندی های مبرم کشور ما در مرحلهٔ کنونی است و قانون اساسی باید برای دولت، التزام بیاورد تا نیازمندی های دفاعی کشور را تامین کند و در امر تامین امنیت و حفظ تمامیت ارضی به سوی خودکفایی گام بردارد.

- باید حقوق شهدا، معلولین، معیوبین، ایتام و بازماندگان شهدا به عنوان وارثان بحق جهاد و مبارزات آزادی خواهانهٔ مردم ما طی دو دودهٔ پسین، جایگاهی ویژه در قانون اساسی داشته باشد و از جانب دولت رعایت و تضمین گردد. زیرا جهاد نه تنها فریضهٔ دینی است، بلکه مردم ما با پیوستن به جهاد و مقاومت، در واقع آزادی کشور را تضمین نمودند و با تقدیم هزاران شهید، موجب آزادی و تامین امنیت بسا از کشور ها در سطح منطقه و جهان نیز گردیدند و بسیار به جاست که به بازماندگان شهدای چنین جهاد و مقاومتی با تامین و تضمین حقوق شان، ارج نهاده شود.

ولی آن گونه که روشن است بدون ضمانت اجرایی، هیچ قانونی- صرفا بر روی صفحات کاغذ- نمی تواند کارایی لازم را داشته باشد و برای کشوری مانند افغانستان که هم اکنون فاقد پارلمان است، این یک نقیصه بس بزرگ به شمار می رود.

شورای بزرگ قانون اساسی که به امر بسیار بزرگ تصویب قانون اساسی در کشور می پردازد، باید همزمان این صلاحیت را نیز داشته باشد که تا انجام انتخابات عمومی ایجاد یک نظام منبعث از ارادهٔ مردم، شورایی را به عنوان پارلمان موقت از میان اعضای خود برگزیند و این خلا در ساختار سیاسی کشور را پر نماید. زیرا تشکیل پارلمان در زمان لویه جرگه اضطراری با سبوتاژ های معلوم مواجه گردید و تا هنوز نهادی که باید بر اعمال حکومت و تطبیق قوانین ناظر باشد، وجود ندارد و در چنین وضعیتی داشتن قانون به تنهایی خود بدون داشتن ناظر بر اجرای ان نمی تواند کارساز باشد.

چهل سال در انتظار

سخنی در باره قانون تشکیل احزاب سیاسی

وحید (مژده)

به تاریخ ۱۷ سنبلهٔ سال روان مجلس عالی وزراء قانون احزاب سیاسی کشور را تصویب نمود وبه تاریخ ۱۹ میزان خبر توشیح آن توسط رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان از طریق رسانه های خبری کشور اعلام گردید.

قانون مذکور دارای بیست و پنج ماده بوده و در پنج فصل و با یک ضمیمهٔ طرز ثبت و راجستر احزاب ترتیب و تدوین شده است.

در مادهٔ اول آمده است:

این قانون در روشنی حکم مادهٔ سی و دوم قانون اساسی سال ۱۳۴۳ خورشیدی به منظور طرز تاسیس، نحوهٔ فعالیت، حقوق، وجایب و انحلال احزاب سیاسی در افغانستان وضع گردیده است.

مادهٔ ۳۲ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ چنین می گوید:

اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون احزاب سیاسی تشکیل دهند مشروط بر این که:

۱- هدف و فعالیت حزب و مفکوره هایی که تشکیلات احزاب روی آن بنا شده مناقض ارزش های این قانون اساسی نباشد.

۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد.

حزبی که مطابق به حکم قانون تشخیص می [illegible] بدون موجبات قانونی و حکم ستره محکمه منحل نمی شود.

جالب این جاست که پس از تصویب و توشیح قانون اساسی سال ۱۳۴۳ وعدهٔ تصویب قانون احزاب هرگز عملی نشد. در حالی که امروز حتی مسودهٔ قانون اساسی جدید کشور نیز در دسترس مردم قرار نگرفته ولی قانون احزاب به سرعت از مرحله توشیح عبور نمود.

در ذهن من این سوال شکل گرفت که مادهٔ ۳۲ قانون اساسی سال ۴۳ در طول چهل سال گذشته در عقب چه پرده یی پنهان بود که امروز از آن پرده روشنی آمده است؟ در مورد حکمی که چهل سال بعد به اهمیت آن پی برده شد چه می توان گفت جز این که بگوییم تاریخ این کشور مشحون از فرصت هایی از دست رفته است!

یکی از بزرگترین اشتباهات دست اندر کاران امور در دههٔ دموکراسی همین بود که این حکم را معطل کردند و در نتیجه از خلای نبود قانون احزاب سوء استفاده شد و کشور های مداخله گر به خصوص اتحاد شوروی با تاسیس احزاب وابسته به خود، زمینه را برای کودتا ها و سرانجام تباهی افغانستان فراهم آورد.

اکنون این قانون با چهل سال تاخیر به میدان عمل آمده است. چرا؟ زیرا مادهٔ سوم این قانون تصریح می کند که اساس سیستم دولت افغانستان مبتنی بر دموکراسی و تعدد احزاب سیاسی می باشد.

در اینجا یک حقیقت بار دیگر برملا می شود و آن این که آنچه که بنام ده سال دیموکراسی در دوران رژیم سلطنتی تجربه شد، رابطه یی با دموکراسی نداشت.

اما در مورد این قانون هم نباید به این باور بود که واقعا هدیه یی بی بدیل برای نسلی است که هنوز می تواند از مزایای این موهبت بزرگ بهره مند گردد و به حال آنانی باید افسوس خورد که در طول این چهل سال مرده و گم وگور شده اند.

نقاط ابهامی در این قانون به نظر می آید و ذکر آن لازم است به این امید تا اذهان جستجوگر را بر انگیزد و بپذیریم که دربگی که چهل سال به طول انجامید. شایان دقت بیشتر از این است.

نخست از همه این که تبانی با نیروهای قوای مسلح که در مادهٔ ششم به عنوان یک انحراف قانونی در قانون تذکر داده شده است. در طول دو دههٔ گذشته بعضی از احزاب سیاسی که درگیر جهاد با تجاوز خارجی بودند. وجههٔ سیاسی نظامی یافته اند و امروز جمع بزرگی از اعضای این احزاب در نیروهای مسلح مدغم گردیده اند. آیا این ماده از قانون برای این به میان نیامده است تا بهانه یی آماده، برای تصفیهٔ آنان در آینده از نیروهای مسلح باشد؟ بر طبق مادهٔ ششم این قانون حزب نباید از منابع خارجی تمویل گردد اما در مادهٔ پانزدهم فقرهٔ پنجم آمده است که حزب می تواند از اعانهٔ سازمان های بین المللی طرفدار دموکراسی که به صورت شفاف و علنی داده می شود برخوردار گردد.

در این جا بسیار مشکل است که بتوان تشخیص نمود که کدام سازمان بین المللی واقعا خواستار برقراری دموکراسی در کشور است و کدامیک در صدد پیاده نمودن اهداف خود می باشد. بد نیست در این رابطه به حقایقی اشاره شود.

ما در دههٔ ۶۰ میلادی شاهد آن بودیم که کشور های بزرگ کمونیستی مانند چین و شوروی به ساختن احزاب سیاسی در کشور های دیگر دست زدند و شاید بدون تردید تلخی بیشتر این سیاست های انان را مردم ما تجربه کردند. اما این سیاست ها هنوز هم در سطح جهانی حاکم است.

بعضی کشور های مقتدر در درون خود واحدی بوجود اورده اند که وظیفه اش دخالت در انتخابات کشورهایی است که در آنها انتخابات برگزار می شود. این واحد دراین کشور ها به نام "انتخابگران" معروفند. وظیفه این واحد این است که رهبرن کشورهایی که با آنان رابطهٔ خوبی ندارند و یا به حد کافی مورد اعتماد آنان نیستند از قدرت خلع و به جای آنها رهبران جدید یا به اصطلاح ادم خود را روی کار بیاورند. انها در انتخابات، کاندیدای مورد نظر خود را با پول و پشتیبانی مطبوعاتی- تبلیغاتی حمایت میکنند. انها با انتشار نتایج نظر خواهی ها و متهم کردن رقبا به زیر پا گذاشتن اصول حقوق بشر و بسیاری روشهای دیگربه کاندیداهای مورد نظر خود کمک می کنند. عناصر مهم و کارکنان متخصص این کشورها قبل از انتخابات به آن کشور مورد نظر سفر کرده و اطلاعات لازمه را جمع آوری میکنند. این اطلاعات مورد تحلیل قرار می گیرد. این عناصر مهم عمدتا سفرای سابق، استادان دانشگاه ها، مفسران، روزنامه نگاران .... هستند. معیار انتخاب رهبر در کشور مورد نظر برای این کشورها روشن است وان "آدم آنان بودن". در کشورهایی که انتخابات برگزار می شود اگر در میان رقابت کنندگان رهبری مورد تائید آنان نباشد آنها این رهبر را به وجود می اورند. بزرگترین سلاحی که مورد استفاده قرار می گیرد پول است، اگر کشوری از نگاه این کشور ها مهم باشد این رقم ممکن است سر به میلیاردها بزند. دومین وسیله آنها به حرکت دراوردن "جوامع مدنی" است که وظیفه آنها به اصطلاح ساختن و معروف کردن رهبر است. وظیفهٔ دیگر آنها انداختن خطاهای انجام شده در اداره کشور شخص مورد نظر به گردن مخالفان است. مهم نیست چه کسی این خطاها را مرتکب شده، است نیروهای ملی مسئول خطاهای انجام شده قلمداد می شوند. آنها مطبوعاتی را که به خود آنها نزدیک است تثبیت کرده روی آنها سرمایه گذاری میکنند.

در این رابطه مثال های زیادی وجود دارد و حتی خود این کشور ها نیز سعی در پنهان کاری در این مورد ندارند. مثلا در حمایت از پادشاه سابق بلغاریا(سیمون) برای رسیدن به مقام صدراعظم آن کشور این حمایت کاملا علنی صورت گرفت.

بنا براین بهتر این است که اصلا کمک خارجی به احزاب به هرعنوان و شکلی ممنوع قرار گیرد و احزاب سیاسی فقط به منابع تمویل از داخل محدود باشند. وکمک های سازمانها و کشور های بیرون به نهاد های دولت صورت بپذیرد ونه به احزاب.

مساله کسانی که دارای ملیت دوگانه اند در این قانون تصریح نگردیده که آیا حق ساختن احزاب سیاسی را دارند و یا نه؟ اما در این مورد نیز ذکر یک مثال خالی از دلچسپی نیست.

در گرجستان شوارنادزه رئیس جمهور آن کشور، یکی از جنرال های عالیرتبهٔ ارتش آمریکا ژنرال جان مالخاز شالیکاش ویلی را که یک گرجی الاصل امریکایی است به گرجستان دعوت کرد و از او خواست تا با تاسیس حزب سیاسی و بدست گرفتن رهبری آن در سیاست گرجستان نقشی ایفا نماید.

اما اگر چنین افغانهایی بخواهند در افغانستان به تاسیس حزب سیاسی دست بزنند آیا این حق را خواهند داشت؟

اینها شاید در بعضی از کشور ها چندان حساسیت برانگیز نباشد ولی در کشور ما باید جوانب تاثیرات ان بدقت بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا در آینده در این کشور ما شاهد مبارزه سالم میان احزاب سیاسی باشیم و برای همیشه راه رقابت های ناسالم سیاسی سد گردد. مبارزه یی که پایهٔ اساسی آن را برنامه های احزاب و سطح خدمت گزاری انها می سازد.

رمضان ماه خودسازی ودگرگونی

نوشتهٔ استاد برهان الدین ربانی

اسلام آیین انقلاب وپیام آور دگرگونی ها و اصلاحات عمیق سازنده و بینادی است. در نظر اسلام انسان ظلوم و جهول سر منشأ همه تغییرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فکری و فرهنگی است و چون تغییر بنیادی در انسان رونما گردد انقلابی در همه چیز و همه جا به میان می آید، هیچ نوع تحول سیاسی اجتماعی مثبت و سازنده را نمی توان انتظار داشت تا در اعماق روح و فکر ومشاعر و سلوک انسان تغییرات مثبت و سازنده به میان نیاید، "**ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم**" "همانا خداوند در ملتی تغییری به میان نمی آورد تا افراد آن در خود تغییری به میان نیاورند."

تغییر و تحول در افراد

انسان سر آغاز همه دگرگونی هاست. آری تا زمانی که غرایز سرکش افراد مهار نگردد، وتابع نظم وقانون نشود، نمی توان نظم وقانون را در جامعه یی پیاده کرد، و اگر هم به زور سر نیزه قوانین ومقررات در میان ملتی پیاده گردد کم دوام و زود گذر خواهد بود و اگر برای مدتی هم ادامه یابد، سر انجام از درون فرسوده و فاسد شده نابود و منقرض می گردد. بلی انسان است که از رهگذر عقیده و عمل تغییر می نماید و با تغییر او در همه ابعاد زندگی تحول و دگرگونی محسوس می گردد.

از این جاست که آیین انسان ساز اسلام در سر آغاز انقلاب جهانی خود طرح و برنامه تغییرات انقلابی در افراد و احاد مردم را به حیث پایه های مستحکم انقلاب دوران ساز اسلامی آغاز می نماید. برنامه های انقلابی اسلام عنوان یک آهنگ خشک و بی روح عاطفی و یا طرح مجرد وخیالی و یا مقررات قهری پولیس را ندارد که فقط در الفاظ شیوا و تصورات ذهنی در چار چوب تعقیب و جستجو ونظارت خلاصه گردد، بلکه در اعماق روح و خفایای ذهن و شعور انسان ریشه داشته و در پیدا و پنهان به حیث قدسی ترین راه قبول شده در قول و عمل، سلیقه و احساس، ذهن و سلوک تبارز می نماید.

روزه ماه مبارک رمضان یکی از این برنامه های خودسازی ودگرگونی اسلام است که غرایز سرکش انسان را در چار دیوار تقوی و طهارت، نظم و اطاعت رهبری و انسجام می بخشد، زبان و بیانش را کنترل، اندیشه و فکرش را درست توجیه می نماید، پیامبر گرامی در این باب می فرمایند: "**اذا کان یوم صوم احدکم فلا یرفث ولا یفسق و ان امروٌ شاتمه فلیقل انی صائم انی صائم.**" "چون روز روزهٔ یکی از شما باشد پس هرزه سرایی نکند، دشنام ندهد و هرگاه کسی او را نفرین کند در جواب اظهار نماید من روزه دارم من روزه دارم."

یقیناً چون مسلمان روزه گیرد در تربیتگاه دگرگونی صیام زبان و بیانش مهذب شده، از طعن و لعن احتراز می جوید، جواب بدی را به زشتی نمی دهد و تنها این که با قلب قوی و ارادهٔ مستحکم کنترل اعصاب خود را در برابر تعرض و تجاوز حفظ می کند به عنوان یک معلم دلسوز و آگاه، عصیانگران را توجیه و رهنمایی می کند وروشن می سازد که از اخلاق روزه دار نیست که دیگران را بیازارید. و چون مورد آزار قرار بگیرد شعارش این است: آغا خود را بی هوده رنج مده هر قدر دشنامم دهی جوابت را نمی دهم چه من روزه دارم. و هرگاه روزه داری در حال روزه چنین تغییر و تحولی ژرف در خود راحساس نکند و خون را به خون بشوید و جواب پس شورا به گم شو بدهد و به بهانهٔ این که ماه رمضان و او روزه دار است بر فرق هر کی بکوبد و به هر کسی نفرین و لعنت بگوید و در فعل وقولش تغییر نکو محسوس نگردد چنین روزه داری به شهادت پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم بهره یی جز جوع و عطش از روزه نبرده است آن جا که می فرماید "**من لم یدع قول الزور والعمل به فلیس لله حاجه فی ان یدع طعامه وشرابه**" "کسی که در دوران ماه صیام و در حال روزه سخن دروغ و عمل به دروغ را ترک نگوید، خداوند هیچ نیازی به ترک خوردن ونوشیدن او ندارد."

آری روزه مسلمان باجوع و عطش جبری حیوان فرق دارد، روزه پیش از آن که پوزبند معده و دندان باشد، تربیتگاه نفس و جان وتهذیب زبان و بیان است. روزه چتر دفاعی و سد وقایی از هجوم مفاسد است، روزه دار حقیقی از ارتکاب فواحش در امان می ماند، باوجود خلاهای زیاد که در ادای واجب روزه محسوس است نظر به شهادت همه دستگاه های اطلاعاتی در دوران ماه مبارک رمضان گراف وقوع جنایات مختلف نسبت به سایر ماه ها کمتر است.

"هدایت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که فرموده اند "الصوم جنه" روزه سپر و وقایه است" همین مفهوم را می دهد، این تغییر انقلابی در میان جوامع مسلمان بیانگر این حقیقت است که هر گا مسلمانان فریضه روزه را مطابق شرایط آن انجام دهند امت اسلامی از لوث گناه کاملاً پاک می گردد.

مسلمان در تربیتگاه صیام

درس صبر و استقامت فرا می گیرد، صبر روحیهٔ انقلابی می خواهد، هر انسانی قادر نیست در برابر رنج و محنت ثابت قدم و استوار بماند و در تحت فشار هجوم غرایز اغوا گر و سرکش تسلیم نشود، و تنها روزه داران صابرند که توان و همتی از خود نشان می دهند. بلی! فقط آن روزه داران که در تربیتگاه انقلابی صیام درس صبر و شکیبایی فرا می گیرند. چه شیوا فرموده پیامبر (ص) که این ماه را ماه صبر خوانده است "**ان هذا الشهر شهر الصبر والصبر ثوابه الجنه**" "این ماه ماه صبر و شکیبایی است و پاداش صبر بهشت است."

ماه رمضان ماه نزول قرآن کریم است و قرآن کریم این کتابی که یگانه دفتر رهنمای انقلاب عظیم جهانی و نسخه معجز دگرگونی های دوران ساز در سراپرده هستی است ماه رمضان سر اغاز بزرگترین فتح و پیروزی انقلاب اسلامی بر معاندین لجوج اسلام در جزیره العرب است، بلی در ماه رمضان بود که فتح مکه صورت گرفت و سر داران شرک در میان قریش در برابر عظمت و جلال اسلام به زانو در آمده و اعلان تسلیم و ندامت نمودند.

در این ماه بود که اولین برخورد در میان جبهه ایمان و لشکریان شرک و الحاد به وقوع پیوست. غزوه بدر که بزرگترین شکستی بر سنگر الحاد وارد آورد در هفدهم ماه مبارک رمضان صورت گرفت، آری در همین ماه بود که پیام فتح و آیات پیروزی اسلام اعلان شد.

در ماه رمضان مسلمانان یک دوره تربیت عملی فقر اجباری را فرا می گیرند، آشنایی به حیات فقیران دردمند و تربیت در اعماق رنج ها و مشکلات در تکامل شخصیت هر مسلمان اثر تحولی ایجاد می نماید و چنین کاری مسلمان را در تحمل شرایط نا مساعد و حالات غیر عادی توان و قوت می بخشد، بلی باید مسلمان به تحمل شرایط و اوضاع مختلف و متباین آماده باشد چه طبیعتاً هر مسلمان در معرض تحولات مختلف قرار دارد و مسلمان آماده رویا رویی با هر مشکل است، همان است که او در فتح مغرور نمی گردد، و در شکست مایوس نمی شود، غنا و ثروت از جاده ثواب دورش نمی سازد، و فقر و ناداری عنان را از کفش نمی رباید.

چه خوش فرموده است فاروق اعظم که گفته است "**اخشوشنوا فان النعمه لا تدوم**" به سختی و سخت .یستن خو گیرید چه نعمت "دوامدار نیست".

در ماه رمضان احساس راکد و عواطف جامد مسلمانان بیدار و به حرکت در می آید، دولتمندان رنج و آلام محرومان دردمند را احساس می کنند، عملاً در می یابند آن ها که فاقد آب و نانند، و با خانواده محروم خویش در محرومیت به سر می برند تا چه حد احساس رنج و عذاب می نمایند لذا متوجه می شوند: آن ها که از محنت دیگران بی غم اند نشاید که نام خود را آدمی و مسلمان نهند.

خلاصه این که: ماه رمضان در حقیقت پیام آور تحول وتربیتگاه مسلمانان است که برای دگرگون ساختن جهان تحول را از خود آغاز نموده غرائز سرکش را مهار وتابع نظم وقانون می سازند، باذهن روشن، زبان مهذب وضمیر بیدار در تحولات اجتماعی سهم می گیرند.

> **آری روزه مسلمان باجوع و عطش جبری حیوان فرق دارد، روزه پیش از آن که پوزبند معده و دندان باشد، تربیتگاه نفس و جان وتهذیب زبان و بیان است. روزه چتر دفاعی و سد وقایی از هجوم مفاسد است، روزه دار حقیقی از ارتکاب فواحش در امان می ماند.**

> **برنامه های انقلابی اسلام عنوان یک آهنگ خشک و بیروح عاطفی و یا طرح مجرد وخیالی و یا مقررات قهری پولیس را ندارد که فقط در الفاظ شیوا و تصورات ذهنی در چار چوب تعقیب و جستجو ونظارت خلاصه گردد.**

یادوارهٔ حضرت حافظ (رح)

حافظ، شاعر زمانه ها

به قلم: محمد اسحاق فایز

در پویه تاریخ ادبیات زبان فارسی-دری و در عمر یازده صد ساله شعر فارسی-دری شاید صدها شاعر از کتم عدم پا به عرصه ظهور نهادند و رفتند و آثاری از خود بر جا نهادند که اینک اکثریت نام آن بزرگواران را جز در دفاتر و دواوین و جنگ ها نمی توان یافت و چه بسیاری از آن ها که حتی از یاد محققین و ادبیات پژوهان زبان و ادب فارسی-دری نیز رفته باشد.

زبان و ادب فارسی-دری شاید در جهان پربار ترین و غنی ترین گنجینهٔ فرهنگی دنیا باشد و در این میدان با آن که شاهکارهای شعر و ادب دری فراوانند ولی دیوان حافظ در آن مانند تاج مرصع الماس نشانی است که بر تارک ملکهٔ شعر می درخشد و یقیناً تا جهان است جاودانه خواهد بود.

اندکی کج رفتیم، باید اول می گفتیم که حافظ از جمع شاعران شعر فارسی-دری آن چهرهٔ جاودانه و آن سیمای تابناکی است که درست از آن هنگام که "دلق آلودهٔ صوفی را به می ناب شست" و در کارزار ادب و فرهنگ گام نهاد تا اکنون که هفت قرن از رحلت آن بزرگوار می گذرد دیوانش را بر تاق نسیان ننهاده اند و بر آن گردی ننشسته است و شعرش تا می رود، نو می شود و رنگ کهنگی نمی گیرد و گاه مانند آن "می چهارده ساله" است که گوارا است و غمزدا. هیچ شاعری مانند حافظ با صاحبان زبانش اینقدر مأنوس و در معاشرت نیست که حافظ است. سالانه شاید بیش از هزاران جلد از دیوان او اقبال چاپ می یابد و هنوز شایقان آن عطش آلود در جستجوی آن هستند.

یک نظر اجمالی و گذرا بر دیوان حافظ این نکته را روشن می کند که چرا حافظ با این دیوان کوچک چنان به قلوب و اذهان دری زبانان نفوذ کرده است که قرن هاست کودکان شان را پس از فراگیری قرآن مجید به پای ملای مدرسه می نشانند تا حافظ بیاموزد و حافظ بخواند.

اینک می کوشیم تا اندازهٔ دلیل این موفقیت و راز این انس و قرابت را با حافظ بنمایانیم:

صرف نظر از کار برد چند بیت به زبان عربی که در بارهٔ از غزلیات حافظ آمده است و پاره ی از واژه ها که در دیوان حافظ بار معنایی خاصی دارند، باقی دیوان حافظ معجونی از کلمات و واژه هایی است که با ظرافت و زیبایی خاصی در پهلوی هم قرار گرفته اند که زیبای را می توان به تمام معنی در آن ها دید.

شعر حافظ دنیای ساده ای دارد که از مواد و مصالح ساختمان شعر تا تصویر و تعابیر موجود در شعر او با آدمی سخن می زنند و هر صاحب فهمی می تواند از آن برداشتی داشته باشد که ذهنش را اقناع کند.

سادگی کلام در دیوان حافظ آن قدر زیباست که با آن که عام فهم و روان است ولی هیچگاهی تا سطح سخن روی بازار و عامهٔ مردم تنزیل نمی یابد.

این هم از قدرت والای حافظ است که از یک سو سخنش دلنشین حتی مردم بازار و کوچه است و از سوی دیگر چنان تازه، فصیح و بلیغ است که آن را با لفظ عامه متمایز می سازد. از همین است که کلام حافظ همانقدر که برای یک استاد دانشگاه، شعر شناس و شاعر گیرا، جذاب و دلنشین است برای یک طالب عادی مدرسه نیز دلنشین است و برای یک زن که کودکش را صبحانه به مدرسه می فرستد نیز.

زبان حافظ در غزلیاتش شسته، معیاری و پالایش یافته است وهیچگاه کلمات و واژه های نامأنوس و قلمبه، سلمبه را در دیوان آن بزرگمرد نمی توان یافت:

هزار نقد به بازار کاینات آرند
یکی به سکهٔ صاحب عیار ما نرسد

روانی و سادگی، فصاحت و بلاغت کلام در دیوان حافظ چنان پذیرفتنی و زیبا است که جز سعدی شیرین کلام تا حال هیچ شاعری همپای او در این میدان گام نبرداشته است:

بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل
توان شناخت زسوزی که در سخن باشد

یکی از پهلوهای زیبایی و جمال شعر حافظ، ترکیب و تدوین صور خیال در بافت کلمات و واژه ها است که خواننده را با خود به یک دنیای دیگر می برد.

دنیایی که در آن، میان زاهد حقیقی و پارسای دروغین، خداشناس راستکار و محتسب ظاهر ساز، خط قرمز روشن کشیده شده است.

دل حافظ دل روشن و آفتابی است که به دلیل تابش قرآن با چهارده روایت چنان مشعشع و تابناک است که تا امروز ما آن درخشیدگی را در آن می بینیم، دل شاد حافظ آیینهٔ است که در آن می توان دنیای پر رنگ و فریب آن روز را دید و بخوبی در مورد چند و چون آدم های روزگارش قضاوت کرد:

غم دنیای دنی چند خوری باده بخور
حیف باشد دل دانا که مشوش باشد

اندیشمندان، و علاقمندان شعر و ادب، صاحبان عقیده و ایمان و باور قرن هاست به صداقت کلام حافظ پایبند اند. بی جا و بی مورد نیست که پس از گذشت قرن ها از چشم پوشی آن بزرگوار از دنیا، ره گم کرده گان وادیی حیات و همهٔ آنانی که پنجهٔ موهوم یأس ونومیدی بر حلقوم آنان گره می خورد بی قرار به دیوان حافظ متوسل می شوند و بدان فال می بینند.

راز دیگر ماندگاری و جاویدانگی حافظ در این است که او روح عینی جامعهٔ اسلامی را می شناخت و کوشید آن را در کلام شاعرانه و عاشقانه اش ممزوج کند، او کذب و ریا کاری صوفیان روزگارش را می دید و می دید که چگونه محتسب روزگارش نا مسلمان تر از هرکس است و دیگران را شلاق می زند و به قاضی می برد، ناگزیر این ریا وتذویر را چه در لفافه و کنایه وچه صریح وآشکار می گوبد و عاملین آن را رسوا می کند:

صوفی سرخوش از این است که کج کرد کلاه
بدو جام دیگر آشفته شود دستارش

از زیبائی های دیگر کلام حافظ موجودیت نکات آموزنده و پندگونه ی است که حافظ آن را با رعایت شعریت در شعر آورده است و هیچگاه نمی توان آن را لچ و بی هنر و بی زیبایی کلام یافت.

ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال
مرغ زیرک چون بدام افتد تحمل می کند

ویا:

نشاط و عیش و جوانی چو گل غنیمت دان
که حافظا نبود بر رسول غیر بلاغ

ویا:

بما منی رو و فرصت شمر غنیمت وقت
که در کمینگه عمرند قاطعان طریق

افسوس که این جا و این مقال را مقدور قلم زدن بیش از این نیست ورنه از دیوان حافظ فیض ها می توان برد و در اوصاف آن بزرگمرد فصل ها می توان نگاشت زیرا که او در غزل صدر نشین بود چنانکه خود می گوید:

گر به دیوان غزل صدرنشینم چه عجب
سال ها بندگی صاحب دیوان کردم

سه غزل از حضرت حافظ (رح)

زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد
از سر پیمان گذشت، بر سر پیمانه شد
صوفی مجلس که دی، جام وقدح می شکست
دوش به یک جرعه می، عاقل و فرزانه شد
شاهد عهد شباب، آمده بودش به خواب
باز به پیرانه سر، عاشق و دیوانه شد
مغبچه ای می گذشت، راهزن دین ودل
در پی آن آشنا، از همه بیگانه شد
آتش رخسار گل، خرمن بلبل بسوخت
چهرهٔ خندان شمع، آفت پروانه شد
گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت
قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری
حلقهٔ اوراد ما مجلس افسانه شد
منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد

هر نکته، که گفتم در وصف آن شمائل
هرکوشنید گفتا، لله در قائل
تحصیل عشق ورندی آسان تمود اول
آخر بسوخت جانم در کسب این فضائل
حلاج بر سر دار این نکته خوش سرآید
از شافعی میرسید امثال این مسائل
گفتم که کی ببخشی بر جان نا توانم
گفت آنزمان که نبود جان در میان حائل
دل داده ام بیاری شوخی کشی نگاری
مرضیه السجایا محموده الخصائل
در عین گوشه گیری بودم، چو چشم مستت
واکنون شدم به مستان چون ابروی تو مائل
از آب دیده صدره طوفان نوح دیدم
وزلوح سینه نقشت هرگز نگشت زائل
ای دوست دست حافظ تعویذ چشم زخمست
یارب که بینم آنرا در گردنت حمائل

ما بدین در نه پی حشمت و جا آمده ایم
از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم
رهرو منزل عشقیم وزسرحد عدم
تا باقلیم وجود این همه راه آمده ایم
سبزهٔ خط تو دیدیم وزبستان بهشت
بطلب کاری این مهر گیاه آمده ایم
با چنین گنج که شد خازن او روح امین
بگدایی بدر خانهٔ شاه آمده ایم
لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست
که درین بحر کرم غرق گناه آمده ایم
حافظ این خرقهٔ پشمینه بینداز که ما
از پی قافله با آتش آه آمده ایم



تاریخ معاصر افغانستان

در یاد داشت های وزیر دربار شاه ایران



محمد ظاهر شاه در تبعید ۳

ترتیب و توضیح از وحید مژده

استعفای شاه افغانستان

شنبه ۵۲/۶/۳

... ساعت ۵:۳۰ شاهنشاه از نوشهر به اتفاق علیاحضرت شهبانو تشریف آوردند. اولین مطلبی که به من فرمودند این بود که دیدی پادشاه افغانستان چه کرد؟ امروز اعلامیه داده و به نفع داود استعفاء و با داود بیعت کرده است.

عرض کردم بلی قربان، از وقتی شنیدم تا حالا سرم درد می کند ولی قدری تقصیر با ماست. او را رها کردیم یک بدبخت با عایله‌ء سنگین در اروپا. از گرسنگی که نمی تواند بمیرد. بیعت کرد که پول به او برسانند. امان الله پادشاه اسبق افغانستان هم تا چند سالی که با محمد نادر شاه پدر ظاهرشاه بیعت نکرد، به او پولی نمی دادند. شکم گرسنه ایمان ندارد. ولی به هرحال او با داود بیعت کرده است. اگر جوانها داود را بیندازند هنوز ممکن است از وجود او استفاده کرد و من عقیده دارم که ما کار خود مان را بکنیم.

چیزی نفرمودند. در این ضمن وزیر خارجه جلو آمد و عرض کرد که نعیم برادر داود خواسته است به ایران بیاید، در مورد بلوچستان و پختونستان عرایضی به شاهنشاه بکند. فرمودند گه خورده است. مگر من پاکستانم؟ خیلی جواب سخت بدهید که این افکار را از سر خارج کند...

تلاش برای رهایی سردار عبدالولی

سه شنبه ۵۲/۶/۱۳

صبح شرفیاب شدم. روزنامه‌ء لوموند شرحی نوشته بود که هرلحظه (اگر وضع سخت بحرانی شود) ممکن است هرات و غرب افغانستان به ایران ملحق شود... فرمودند ببینیم چه می شود. عرض کردم سیاست صبر و حوصله خوب است ولی ممکن است خیلی ضرر بکنیم. فرمودند آخر از بازی بزرگ ها خبردرستی نداریم...

... باز راجع به پادشاه افغانستان عرض کردم.فرمودند از این آدم هرگز طرفی نخواهیم بست. بعد با قدری تامل فرمودند، نمی توانی نقشه بکشی عبدالولی را از کابل فرار بدهیم؟ عرض کردم در خود کابل پهلوی قصر داود زندانی است. به آن آسانی که هیتلر موسولینی را از سر کوه فرار داد نمی شود عمل کرد ولی اجازه بفرمایید فکر بکنم، یا با یک عده از خود گذشته که همه خطر مرگ را بپذیرند و یا با پول و رشوه به نگهبانان. فرمودند ارزش دارد مطالعه شود.

دیدار با سفیر انگلیس در بارهٔ کودتا

چهارشنبه ۵۲/۶/۲۸

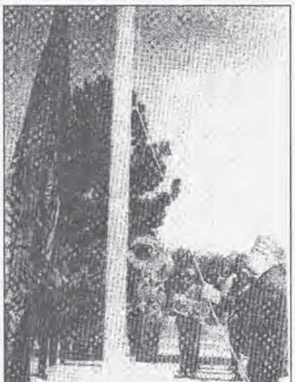
...(با سفیر انگلیس) مدتی راجع به افغانستان صحبت کردیم که جالب بود. می گفت اولا علت العلل این کودتا، تا آنجا که ما می دانیم، بی حالی پادشاه بود. یک نقشه هم عبدالولی و شفیق نخست وزیر وقت، برای کودتا گویا داشته اند ولی نمی دانستند چه کنند... می گفت روس ها قطعا از کودتای داود مطلع بوده اند ولی دست نداشته اند. ولی معلوم نیست داود صد در صد روسی باشد... نعیم، وزیر خارجه و برادر داود در شوروی است و به زودی برمی گردد. بعد سفیر ما را می بیند(منظور سفیر انگلیس در کابل است) آن وقت می توانیم اطلاعات بیشتری بدهیم. می گفت دفعه‌ء قبل که نعیم با سفیر ما صحبت کرده، گفته ممکن است برای پختونستان راه میانه یی جست. به این معنی که پښتونستان در کالبد پاکستان استقلال داخلی پیدا کند. می گفت پیام شاهنشاه راجع به و این که افغانها بلوچستان را جزئی از پښتونستان می دانند و ایران نمی تواند این مزخرفات را تحمل کند، به وزارت خارجه رسید.

ما گمان نمی کنیم افغانها زیاد دنبال چنین مزخرفاتی را بگیرند به خصوص که از جانب روسها هم فکر نمی کنم زیاد تشویق بشوند. چون فعلا روسها با درگیری با چین و تنش زدائی (دیتانت) اروپا، با آن که هرگز از آمال شان صرف نظر نمی کنند ولی نخواهند خواست در آنجا درگیری تازه پیدا کنند و حتی خیال می کنم جلوی تندروی های داود را، اگر دولت ایران از روسها بخواهد بگیرند.(خیلی باعث تعجب من شد). می گفت تا آنجا که ما می دانیم، حرکت ارتش افغانستان به طرف مرز پاکستان و ایران به منظور جلوگیری از یک کودتای داخلی است که نزدیک کابل نباشند...

وقتی علم جریان ملاقات خود را با سفیرانگلیس به اطلاع شاه رسانید او گفت:

اگر پښتونستان از پاکستان مجزا شود،مال افغانستان هم مجزا می شود! ولی شاید تجزیه‌ء افغانستان راه حلی باشد که تمام بدست شوروی نیفتد. چنانچه زمان جنگ جناب بوین همین نقشه را برای ایران داشت و می خواست از آذربایجان و کردستان شروع کند.

اشاره‌ء شاه به مذاکرات وزرای خارجه‌ء امریکا، شوروی و انگلستان پس از جنگ جهانی دوم است که نزدیک بود آذربایجان ایران به روسها تعلق بگیرد.



داود خان در حال بر افراشتن پرچم جمهوری

در رابطه به مسئله‌ء پښتونستان، به این علت که افغانستان در این ترکیب اقوام بلوچ پاکستان را نیز شامل می دانست، شاه با آن موافق نبود ولی به این باور بود که افغانستان در این رابطه جدی نیست زیرا پښتون های پاکستان خواستار خود مختاری اند و تحقق این خود مختاری میتواند پښتون های خود افغانستان را نیز به یکجا شدن با پښتونستان مستقل تشویق نموده و در نتیجه به تجزیه‌ء افغانستان منجر گردد اما در رابطه به بلوچ ها ایران به این علت که خود دارای اقلیت بلوچ است، از این که افغانستان بلوچ ها را نیز در ترکیب پښتونستان شامل سازد نه تنها مخالف بلکه سخت حساس بود.

نامهٔ سفیر ایران در ایتالیا دربارهٔ شاه افغانستان

دوشنبه ۵۲/۷/۲۳

(نامه‌ء دیگری از (علی نقی) انصاری (سفیر ایران در ایتالیا) راجع به پادشاه افغانستان رسیده بود... فرمودند به هرحال بیست هزار دلار بفرستد که به ایشان برساند تا جواب ایشان از افغانستان برسد و ضمنا بگو که از این جریان جز من و تو و انصاری کسی آگاه نیست... بعد مرخص شدم فوری کار پادشاه افغانستان را راه انداختم).

مدتی پس از کودتا سفیر ایران در ایتالیا شبی بصورت مخفیانه به دیدار محمد ظاهرشاه رفت و این گزارش حاصل آن دیدار است. متن دست نویس که در کتاب آمده در بعضی جاها خوانا نیست و بصورت چند نقطه نشان داده شده است.

سفارت شاهنشاهی ایران

رم

۱۴ اکتوبر

سرور معظم

سعی کردم کلیه مطالبی را که اعلیحضرت محمد ظاهرشاه اظهار فرمودند بخاطر سپرده .... بروی کاغذ آورم. امیدوارم اگر جملات نارسا بود عفو فرمائید که تقریبا عین کلمات خود شان است. بطور عمومی خیلی پریشانند و زندگانی بدی دارند معلوم است که در دل امیدی جز توجه ذات اقدس ملوکانه ندارند و خداوند شاهنشاه ما را حفظ فرماید که قبله حاجات همه هستند....

جناب آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی

پس از عرض احترام به استحضار می رساند همانطوری که عرض شد ساعت ۸ شب ۱۳ اکتوبر به اینجانب وقت ملاقات دادند. (محل زندگی شان) یک ساعت از رم فاصله دارد و در محل دور افتاده ایست. فرزند کوچک شان با چراغ قوه اینجانب را تا ساختمان رهنمائی نمود.

اعلیحضرت پادشاه افغانستان با اتفاق والاحضرت بلقیس وسط سالن کوچک و محقری ایستاده بودند و به من درود گفتند(و گفتند) بسیار شایق بودم شما را ملاقات و جویای حال برادرم شاهنشاه بشوم. خبر های رادیو دیشب ما را پریشان نمود. دخترم بلقیس که در سنت موریتس شرفیاب بوده و بسیار محبت دیده دیشب را تا صبح خواب به چشمش نیامد.

بسیار صحبت کردند و اینجانب(را) درکنارخودشان جای دادند و گفتند میخواهم تمام ماجرائی را که در این مدت بر ما رفته است برای شما بگویم داستان وقایعی که اتفاق افتاده بسیار طولانی است و وقت شما کم. در این روز های سخت و دشوار تمام دلخوشی ما توجه و لطف بی حد برادر عزیز و مهربان مان شاهنشاه بوده و هست. در روز های اولی نتوانستم شما را ببینم چون خیلی پریشان بودم و تکلیف نامعلوم بود ولی خوشحال شدم که



داوود خان در کنار رهبران حزب کمونست اتحاد شوروی سابق در مسکو

اعلیحضرت شاهنشاه به یاد ما هستند... چهل سال برای حفظ استقلال افغانستان تلاش کردم نمیدانستم دشمن در کمین ماست. در یکسال و نیم اخیر اوضاع کشور من بکلی تغییر کرد. برنامه ها به انجام می رسید و کشور سروسامان می یافت. از وقتی آقای شفیق صدراعظم شد فکر جوان داشت. زحمت می کشید. صحبت های زیاد باهم داشتیم. **کمک های بیدریغ شاهنشاه و اندرز هائی که به ما دادند به حل مشکلات ما مفید افتاد** به لطف خداوند توانستیم مشکل بزرگ هیرمند را با وجود مخالفت های بسیار داخلی و خارجی حل کنیم. موقعیت حطیر بود. با زحمت بسیار از مجلس گذراندیم. به اوضاع داخلی سر و صورت دادیم. برنامه های مهم طرح شد. مشکلات یکی بعد از دیگری بوسیله‌ء صدراعظم ما و به کمک خود ما حل می شد.

داود مرد متعصب ... است. در وطن پرستی او شک ندارم ولی نسبت به کمیته ای که در کنار اوست و برنامه ریزی می کند و دستور میدهد خوشبین نیستم. افراد کمیته اشخاص مظنون هستند. داود سالها از سیاست دور بود و به اوضاع بین المللی وارد نیست. به مسئله‌ء پشتونستان و هیرمند با تعصب نگاه می کرد و نزدیکی ما را با کشور برادر به دیده‌ء تعصب می نگریست. اختلاف نظر ها از همین جا شروع شد. چندین بار که او را پذیرفتم خلق مارا تنگ کرد.

کاری را انجام داد و راهی را رفت که ما انتظارنداشتیم و در عالم خویش تصورش را نمی کردیم. عمل او ورفتارش با ما از تصور دور بود.

در برابر سوال اینجانب ... گفتند خیر، ما بکلی مراقب اوضاع بودیم. ازنظریات داود و تحریکاتی که میکرد بخصوص در مورد هیرمند آگاه بودیم ولی نه تا به این حد آنهم بدست داود. **صورت تمام کسانی را که در جبهه های مخالف و انقلابی بودند بما دادند. آنها را می شناختیم و منتظر فرصت بودیم که دستور جمع آوری و توقیف دستجمعی صادر نمائیم. مدارک و پرونده ها مکمل و آماده بود به مجرد مراجعت به وطن دستور اقدام می دادیم.** هرگز گمان نمی کردم داود تا به این حد جلو برود و رعایت احترام مقام سلطنت و خویشی را ننماید. به ما که چهل سال به افغانستان خدمت کردیم و به فامیل ما که فامیل خودش است بسیار ستم کرد که عیال و اولاد های ما بطور معجزه آسا نجات یافتند. اطاقهای خوابی را که اینها استراحت کرده و در خواب بودند با گلوله های توپ ویران ساختند. نمیدانم چطور اینها خلاص شدند. از سر تا پای همه را بازرسی کردند و آنوقت رخصت دادند.

در این موقع خیلی متاثر شده دستمال در آورده گریه کردند.

والاحضرت بلقیس که در تمام مذاکرات حضور داشت صحبت را تغییر داده از خاطرات مسافرت سن موریتس و عنایات خاص اعلیحضرت شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو تشکر و سپاسگذاری نمودند.

بعدا اعلیحضرت محمد ظاهرشاه سر بلند کرده گفتند اعلیحضرت برادرم و علیاحضرت شهبانو خیلی با بچه ها محبت کرده اند هرگز این محبت ها فراموش شدنی نیست. مکرر سنت موریتس و خوشی هایی را که بر آنها گذشته برای ما تعریف می کنند و مارا سرگرم می سازند. من برای شاهنشاه برادرعزیزم همیشه دعای خیر می فرستم و به ایشان احترام عمیق دارم و شاهد ماجراهای گرفتاری ها و مبارزات و فتوحات ایشان بوده ام و میگویم که در ده سال اخیر در سایه‌ء درایت شاهنشاه چه ثباتی در ناحیه بوجود آمده است و ایران... به ترقیات بزرگ نایل آمده و کشور مهم منطقه شده است. ما هم می خواستیم دنباله روی کنیم. همین برنامه ها را تعقیب نمائیم. افسوس می خورم که داود و اطرافیانش مانع شدند. خداوند عاقبت کشور عزیز ما و ملت نجیب افغان را بخیر بدارد من در آخر عمر خود جز خیر و صلاح ملت خود آرزویی نداشتم.

مدتی آهسته گوی با خود حرف می زنند ادامه دادند... اردو ها(؟) و شیعه های افغانی سخت طرفدار ما بودند ولی مقاومت فایده نداشت اردو در دست آنها بود. با وسایل مدرن سربازان گارد مرا گلوله باران کردند افسران وفادار من همه در زندان هستند داماد من هنوز در زندان است اخیرا او را از زندان دستجمعی به زندان انفرادی انداخته اند. والاحضرت بلقیس اضافه کردند گویا ... هیچ از او خبر نداریم و شدیدا به گریه افتادند...

مطالب بسیار دیگر گفته شد که بسیار تاثر انگیز است فقط برای اختصار به رؤس مطالب می پردازم:

ادامه دارد

تشکیل ادبیات دری در عهد سامانیان

دکتور شمس الحق آریانفر

دودمان فرهیخته ومدیر سامانیان در کنار سایر ویژگی ها بادو اصل ناب شناسایی می گردند.

۱- تامین تمامیت ارضی زیست بوم آریائیان واحیای فرمانروایی دیرینهٔ این ملت درچارچوب خراسان بزرگ که دیگر ماورا و مادون نداشت.

۲- تشکل وگسترش ادبیات فارسی- دری برفراز میراث گرانسنگ فرهنگ پارین وبه اساس الهام ونیاز اندیشهٔ نوین.

درنگی برياد تاریخ نگاران هم روزگار سامانی، صولت وفرمان گستری سامانیان را برخراسان تبیین می بخشد.

از تاریخ بلعمی در۳۵۲برابر با۹۶۳ می خوانیم:

«ملک خراسان ابوصالح بن نوح فرمان داد، دستور خویش را که این کتاب را پارسی گردان هرچه نیکوتر.»(۱)

از گرشاسب نامه ابوالمؤید بلخی در۳۵۶برابر با۹۶۷میلادی شاهد می آوریم که می گوید:

«وآنچه درکتب خواندم جمله بنوشتم وجمع کردم از بهر شاه جهان، امیر خراسان، ملک مشرق نوح بن منصور مولی امیر المؤمنین»(۲)

وهمینگونه حدود العالم را می خوانیم که در۳۷۲برابر با۹۸۳نوشته است:«امیر خراسان در بخارا نشیند وآل سامان است.»(۳)

اکنون باآگاهی از قلمرو مشخص خراسان، بسیط بریهنای آل سامان که برخلاف باور سلطه طلبان، دیگر ماورا ومادونی را نمی شناخت، نگرشی داریم برروند تشکل ادبیات فارسی- دری درین خطه.

زوال امپراطوری ساسانی وکوشانی، افول زبان وادب پهلوی را باخویش داشت.

اعراب فاتح از همان نخستین روزگار تسلط خویش خواستند زبان عربی در همه شئون مردم رسوخ کند. سفال های بدست آمده از مرونشان می دهد که تعلیم خط وزبان عربی از همان سدهٔ هفتم میلادی آغاز گردیده است.

درسالهای۷۰۰-۷۰۱برابر با۸۰ هجری، دیوان ودفاتر دولت به عربی انتقال یافت وتا۲۰سال دیگر یعنی۷۱۷ یا۷۱۹به شهادت نامهٔ«دیوشتیج» (شاه سغد، حاکم سمرقند) به حاکم عرب می بینیم که مکاتبات رسمی همه به عربی برگشته است. از قول جهشیاری که می نویسد از سال۷۴۲آموزش زبان وخط عربی در تمام قلمرو خراسان اجباری گردید(۴) درمی یابیم که عربی سازی وضدیت بافرهنگ وزبان بومی به شدت ادامه داشته است.

اما در کنار این روند می نگریم که لهجه های سغدی، خوارزمی، تخاری، فارسی وغیره همچنان ادامه دارد وبویژه لهجهٔ دری در بیان ونگارش وتبلیغ آیین سلام زیاد مورد استفاده است.

حفاری های تورفان ومرونشان داد که در سده های۷و۸زبان دری میان مردم مورد استفاده بوده است. همچنانکه لمقدسی از گسترش زبان فارسی در قرن هشتم در بلخ گفته است.(۵)

نرشخی می گوید:«در یک مسجد بخارا که در۷۱۳بنا شده بود، قرآن را به فارسی قرائت می کردند ودر سال ۷۲۸یکی از مبلغان اسلامی به سبب اینکه زبان فارسی را خوب نمی دانست از وظیفه برکنار شد(۶)

طبری در مورد خیدر افشین شاهزادهٔ اسروشنه می نویسد:

«از اسروشنه اهالی وگماشتگان وی بدونامه به پارسی می نوشتند..»(۷)

همچنان طبری می گوید: کتاب وآثاری دری دربار همه امرای محلی که تاعهد سامانیان حکمروا بودند، وجود داشت واز آن امرا چنین نام می برد:

ترمذ شاه، طرخون(که از پسرش بوالینبغی سرود سمرقند را به یادگار داریم)، شومان شاه تخارستان، غزوان ملک الصیغانیان، کفتان شاه(نزدیک ترمذ)، وردان خدا، اسپید بلخ، باذام مرورود، سهرک ملک طالقان، ترسل ملک فاریاب، روب خان ملک سمنگان، نمرون ملک غرشستان، خاناخره جد فشین، چغان خدا، رتبیل وغیره.

این یاد کردها مبرهن می سازد که در پهلوی اشاعهٔ زبان عربی، زبان فارسی همچنان مورد استفاده وکار برد مردم وحتی حکمرانان عربی بوده است.

> **در پرتو این حمایت وتشویق وادب پروری سامانیان بود که شاعران بزرگی درخراسان ظهور نمود وموجی از شعر وآفرینش تمامیت خراسان را فراگرفت که از آن شمارند: شهید بلخی، ابوشکور بلخی، ابوالموید بلخی، دقیقی بلخی، رابعهٔ بلخی، معروفی بلخی، بدیع بلخی. شاکر بخاری، ابوالحسن جویباری بخاری، آغاجی بخاری.**

نکتهٔ دیگر اینکه در برابر سلطه جویی زبان عربی، دلبستگان فرهنگ وادب فارسی دوشیوه را در راستای پاسداری فرهنگ فارسی- دری اختیار نمودند:

۱- عده یی باتسلط به زبان عربی به ترجمهٔ آثار پهلوی به عربی آغاز کردند وبه این طریق خواستند میراث فکری ومعنوی نیاکان خویش را از نابودی کامل نجات بخشند. از این شمارند دانشمندانی چون:

بشار بن برد(۷۰۰-۷۸۴)، ابن مقفع(۷۲۱-۷۵۷) ابن خرداد به(۸۲۰-۹۱۲) وعدهٔ دیگر.

۲- گروهی که در برابر تعصب وخشونت عربی به حرکت همسان پرداختند ودر برابر کسانی که می گفتند فارسی کلام شیاطین ونار است(۸) حدیثی را آوردند که زبان اهل جنت دری وعربی است(۹) وملایک آسمان چهارم نیز به دری سخن می گویند. بناءً سرایش ونگارش به زبان فارسی- دری بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

تذکره نگاران از این روان فقط نام شاعرانی چون: ابوحفص سغدی(آخر قرن سوم)، ابوالعباس مروزی(نیمهٔ دوم قرن دوم) که برای مأموران عباسی قصیده گفت، حنظلهٔ بادغیسی(وفات ۳۱۹)محمود وراق(وفات۲۲۱) فیروز مشرقی(وفات۲۸۳) ابوسلیک گرگانی، محمد بن وصیف سکزی شاعر قرن چهارم، بسام کرد، هم عصر یعقوب لیث صفاری ومحمد مخلد را ذکر می کنند.

ودانشمندان از کتاب شاناق که کنکنه پزشک هندی گندیشاپور وابوحاتم آن را درعهد مأمون عباسی ترجمه نمود وکتاب بهافرید در عهد اموی ها، یاد می کنند که این کتاب های سده های نخستین اکنون در دست نیست.

باور دانشیان این است که آثار این عصر که دوران انقلاب وقیام ها بود، در نتیجهٔ شکست قیام ها وسرکوب بعدی پیروان آن، نبود حامی ومشوق قدرتمند وتداوم یورش های بعدی مغول وغیره کاملاً از میان رفته است. البته پختگی وسلاست وترکیب های عالی شعر ونثر بازماندهٔ عهد سامانیان خود برهان وجود آن آثار مفقوده است.

ادبیات عهد سامانی

ادبیات دری خراسان فقط در عهد سامانیان ایجاد گردید وماندگار شد. تشویق وحمایه وخواست وتقاضای شاهان سامانی، به عنوان عالیترین مقام ومرجع، تواصلی بود که نه تنها مایهٔ ایجاد فراوان آثار نظم ونثر به زبان فارسی- دری گردید، بلکه نهضت بزرگی را در راستای جلب وکشش به سوی ادب وفرهنگ خراسان سبب گردید.

نظامی عروضی می نویسد: زمانی که رودکی از هرات جانب بخارا به همراهی نصربن احمد سامانی حرکت می کرد، چهار صد شتر زیربنهٔ او بود.(۱۰) وعوفی می گوید: او را دویست غلام بود(۱۱) رودکی خود یکی از صله هایش را چهل هزار درهم یاد آور می شود:

> **این یاد کردها مبرهن می سازد که در پهلوی اشاعهٔ زبان عربی، زبان فارسی همچنان مورد استفاده وکار برد مردم وحتی حکمرانان عربی بوده است.**

بداد می خراسانش چهل هزار درهم
وزوفزونی یکی پنج میرکاکان بود
وزاولیاش پراکنده نیزشصت هزار
به من رسید وبدان وقت حال چونان بود

درکنار این صلات وتشویق ها می نگریم که شاهان سامانی شخصاً انشاء وترجمهٔ آثار را از دانشمندان تمنا می نمایند وهدایت می دهند، یانویسندگان بادرنظرداشت خواست ونیاز شاهان وامیران سامانی می نویسند:

شاهنامهٔ ابومنصوری به درخواست ابومنصور عبدالرزاق سپهسالار آل سامان؛ ترجمهٔ کلیله ودمنه، ترجمهٔ تاریخ طبری وتفسیر طبری به درخواست نصر بن احمد ومنصور بن نوح سامانی، صورت می گیرد. وابوالموید بلخی در عجایب البلدان می گوید:«وآنچه در کتب خواند جمله بنوشتم... از بهرپادشاه جهان امیرخراسان... تا او را از آن مطالعه، موانست بود.(۱۳)

در پرتو این حمایت وتشویق وادب پروری سامانیان بود که شاعران بزرگی درخراسان ظهور نمود وموجی از شعر وآفرینش تمامیت خراسان را فراگرفت که از آن شمارند:

شهید بلخی، ابوشکور بلخی، ابوالموید بلخی، دقیقی بلخی، رابعهٔ بلخی، معروفی بلخی، بدیع بلخی.

شاکر بخاری، ابوالحسن جویباری بخاری، آغاجی بخاری.

رودکی سمرقندی، ابوالعباس ربنجنی سمرقندی، ابوشعیب هروی، ابوعبدالله محمد ولوالجی(رستاقی) منجیک ترمذی، طاهر بن فضل چغانی. خسروی سرخسی. کسایی مروزی، عمارهٔ مروزی، بشار مرغزی، لوکری مروی، ابوالعلای شوشتری، استغنایی نیشاپوری، قمری جرجانی، ابوزراعه معمری جرجانی، ابوعبدالله فرالاوی وغیره.

از دوران سامانیان، فراوان آثار نابود گردیده است که ما از آن آگاهی نداریم وآثاری هم هست که فقط نام آن ها را از طریق آثار دیگر دانشمندان شنیده ایم به گونهٔ مثال:

تفسیر قران ابوعلی جبایی(۲۳۵-۳۰۳) که به فارسی نوشته شده بود.

المعالجه البقراطیه، که در عهد دیلمیان اول به فارسی نگاشته گردید.

رسالهٔ لغت پارسی ابوحفص سغدی، شاهنامهٔ ابوعلی بلخی، شاهنامهٔ مسعودی مروزی، گرشاسب نامهٔ ابوالموید بلخی وغیره.

اما در شمار آثار بازماندهٔ عهد سامانیان می توانیم از این کتاب ها نام ببریم:

رسالهٔ دراحکام فقه حنفی از ابوالقاسم سمرقندی۳۴۳، تاریخ طبری وتفسیر طبری ترجمهٔ سال۳۵۲، عجایب البلدان از ابوالموید بلخی، الابنیه عن حقایق الادویه از علی هروی، کتاب البارع در نجوم که در ۳۶۷تألیف شده ودرکتابخانهٔ برلین موجود است، تفسیر قرآن که جلد سوم آن در کتابخانهٔ کمبریج است، هدایت المتعلقین تألیف ابوبکر بخاری نیمهٔ قرن چهار، حدود العالم۳۷۲هـ وغیره.

این همه شاعر ودانشمند وآثار گرانقدر که نمی شود همه را در این جستار بررسی کرد در عهد سامانیان وبه حمایت ایشان ایجاد گردید.

چراسامانیان از شاعران ودانشمندان حمایت می کردند، انگیزه های آن در چه نهفته است؟ در این رابطه چند نکته به صورت کوتاه ارائه می گردد:

۱- سامانیان که استقلال سیاسی را تأمین نموده بودند می دانستند که تداوم آن در استقلال فرهنگی نهفته است واز آن روبه استحکام پایه های فرهنگ، زبان وادبیات خویش اقدام کردند.

۲- سامانیان از تاریخ کهن ملت وسرزمین خویش آگاه بودند. از این رو درجهت تثبیت هویت ملی ونجات مردم از خود بیگانگی به آفرینش تاریخ قدیم وحماسه ها راغب گردیدند که ایجاد شش شاهنامه: شاهنامهٔ ابوعلی بلخی، ابوالموید بلخی، ابومنصوری(درنثر) شاهنامهٔ مسعودی مروزی، دقیقی وفردوسی درنظم محصول نیاز مسلم آن روزگار است.

۳- سامانیان از تبار بزرگان(بهرام چوبین) بودند، از آن روخفت را تحمیل نتوانستند و در راستای عظمت ملی گام برداشتند.

۴- زبان فارسی- دری را رکن اصلی ملت وپایایی خویش می دانستند.

۵- می خواستند دربارسامانی، از بارگاه خلافت بغداد کسری نداشته باشد.

۶- وزراء ودانشمندانی چون: بلعمی ها، جیهانی ها وعتبی ها در دربار سامانی سبب می گردید که توجه به دانشمندان وافتخارات علمی وملی بیشتر گردد.

۷- شاهان سامانی خود از دانشمندان وخردمندان عصر خویش بودند که طبیعتاً شکوفایی علم ومعرفت را می خواستند.

۸- سامانیان می دیدند شاعر ونویسندهٔ هموطنش که عربی نمی نویسد، غریب است وگرفتار ذلت. خواستند این خواری را بزدایند.

بااین نیات وآمال بود که ادبیات غنی سامانی، بااستواری وزیبایی کلام، تنوع مضمون، ساده گی وایجاز وباسره گی طبیعی از واژه های عربی ظهور نمود وجاودانی شد. دیگر برماست که به عنوان پوربایستهٔ آبا از این میراث بزرگ نیاکان پاسداری کنیم وبرعظمت وغنای آن بیافزاییم.

سرچشمه ها:

۱-سبک شناسی، محمد تقی بهار، تهران ۱۳۰۷، جلد ۲به نقل از تاریخ طبری.
۲-سبک شناسی، همان جلد یک ص۱۳۷.
۳-افغانستان در مسیر تاریخ، غلام محمد غبار ص۱۰۱به نقل از حدود العالم.
۴-تاجیکان، باباجان غفور اف، دوشنبه۱۹۹۷، برگردان القبای نیاکان، محمد نیازاف، ن خال محمدا، زیرنظر شریف اف ص۵۸۰.
۵-همان، غفور اف ص۵۷۴.
۶-همان ص۵ ۷۶.
۷-سبک شناسی، جلد یک، ص ۲۳۶.
۸-تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۷۱ ص۱۳۶.
۹-برهان قاطع، زیرلغت دری.
۱۰- چهارمقالهٔ عروضی، تصحیح محمد معین، چاپ لیدن، ص۳۳.
۱۱- لباب الالباب، محمد عوفی، جلد دو، ص۷.
۱۲- سبک شناسی، جلد دو، ص۱۹.

برابری دیهٔ زن و مرد

محمد غزالی

اهـل حدیـث ، دیـهٔ زن (خونـبهای زن) را به اندازهٔ نصف دیهٔ مرد قرار می دهند.

ایـن نظـریه ، یـک خـلا فکـری و یـک عیـب اخلاقـی در بـر دارد. از ایـن رو محققـان آن را نپذیرفـته انـد. (۱) دیـهٔ زن و مـرد در قـرآن بـاهم برابـر اسـت . امـا ایـن پـندار کـه خـون زن ارزان تـر و حقـوق وی کمـتر اسـت، یـک پـندار دروغیـن و مخالف با ظاهـر قـرآن اسـت. مـرد در مقـابل قـتل یک زن کشـته مـی شـود . درسـت همانگونـه کـه یـک زن در مقـابل قـتل یـک مـرد کشته می شـود، بدینسـان یـک مـرد هـم در مقـابل قـتل یـک زن کشـته مـی شـود . بـنا بـر این بـه اتفـاق هـم . خـون هـر دو بـاهم برابـر اسـت. بـه راسـتی مقیاسـی کـه یـک دیه را از دیه یی دیگر پایین می آورد ، چیست؟

بـا اسـتاد مصـطفی زرقـاء در مجلسـی نشسـته بـودم. او بـه مـن گفـت : در حقیقـت دیـه ، عـوض یـک شـیی از دسـت رفته است. در عـوض ، تکـافو و همسـنگی بـاید ملحـوظ باشـد . کشـته شـدن مـرد نسـبت بـه کشـته شـدن زن ، بـرای خـانواده زیانـبارتر اسـت . فقـیهان هـیچگاه بـه ایـن فکـر نـبوده اند که از نظـر مـادی یـا ادبـی بـه زن اهانـت روا دارنـد بلکـه ارزش عـوض منظور نظـر آنـان بوده است.

سـپس افـزود: قوانیـن غربـی در زمیـنهٔ مـزد کـار ، بیـن زن و مـرد ، مسـاوات بر قرار نـنموده اسـت. در تصـرفات گونـاگون مالـی هـم ، بیـن آنهـا برابـری ایجـاد نکـرده، تـنها عرصـه یـی کـه قوانیـن غربـی مـیان زن و مـرد برابـری پدیـد آورده ، ایـن اسـت کـه بـرای هـر دو شـرایط لـذت بـردن و بـرخورداری ازحـلال و حـرام را بـه صـورت یکسان فراهم نموده است.»

اسـتاد معـروف دوالیبـی نـیز زمانـی کـه در پاکسـتان در وضـع قوانیـن بـر اسـاس شـریعت اسـلام شـرکت نموده بود. دیهٔ زن و مرد را به گونهٔ مساوی قرار داده بود.

او نظـریه یـی را کـه قـایل بـه ایـن برابـری هسـت، ترجیح داده بـود و همچنیـن از مسـلک عـثمان بـن عفـان (رض) که دیهٔ ذمـی را کـه قـبلاً نصـف دیـه یـک مسـلمان بـود، بـه صـورت کـامل قـرار داد، رهـنمود دریافـت کـرده بـود.اسـتاد والیبـی گفـت: مـا بهـتر دیدیـم کـه راه را بـر کسـانی کـه اسلام را بـه پاییـن آوردن جایگـاه زن مـتهم مـی کنند ، ببندیم.»

مسـلک خلـیفهٔ سـوم ، عـثمان بـن عفـان (رض) دلالـت بـر ایـن دارد کـه هـرگاه اوضـاع تغییر نمود، امکـان تغییر حکم وجود دارد. چـون از اوضـاع جدیـد در آن زمـان چنیـن بـر مـی آمـد کـه ذمـیان مخلصـانه در جامعـهٔ اسـلامی آمیخـته انـد، از ایـن رو وی بـا بـالا بـردن دیـهٔ شـان ، آنان را نسـبت به جایگاهشان مطمئن ساخت.

گذشـته از ایـن فقـه حنفـی همـهٔ خونهـا و دیات را به گونه برابر قرار داده است.

د عراق خاوره باید عراقیانو ته وسپارل شي

دیـو رپـوټ لـه مخـي امـریکا اعـلام کـړي ددغـه هـیواد وړاندیـز چـي درایـو پـه اتفـاق د امنیـت شـورا لـه خـوا تصـویب شـوي. پـه عـراق کـي لـه جګـړي وروسـته دهغـه هـیواد پـه بـیا رغـاونـه کـي دنړیـوال ګـډون لـه پـاره لاره اواره کړي.

همـدا رنګـه دملګـرو ملـتو پـه سـازمان کـي دامـریکا اسـتازي جـان نګـرو پونـته وویـل: ددي وخـت را رسـیدلي چـي ټـول هـیوادونه لـه عـراق سـره مرسـته وکـړي. خـو روسـیه، المـان او فرانسـي ویلـي دي چـي عـراق تـه بـه عسـکر وانـه سـتوي اوله دغـه هـیواد سـره بـه مالـي مرسـته هـم و نـه کـړي دا ددي لـه پـاره چـي دامریکا پـه وړاندیز کـي عراقـیانو تـه د قـدرت دپـریښودلو وخـت نـه دي ټاکل شوي.

پـه وړاندیـز کـي چـي دامنیـت شـورا لـه خـوا تصـویب شـو دعـراق دثبات لـه پـاره دځـو ملیتـي پـوځ جوړیـدل منظور شوي خـو هغـه هـم پـه دي شـرط چـي مشـري بـه یـي دامریکا په غاړه وي.

دملګروملـتو لـه خـوا ددغـه پـریکړه لـیك دتصـویب اغـیزه بـه پـه راتلونکـي اوونـی کـي دمـادرید پـه غونـډه کـي چـي لـه عـراق سـره د مرسـتي لـه پـاره جوړ یږي څرګنده شي.

پـه هـر صـورت ددغـه پـریکړه لـیك پـه وړانـدي دروسـیي، المـان او فرانسـي دریـخ پـه بشـپړه اصـولیت او دعـراق دنـیول شـویو خلکـو لـه غوښتني سره سم دحق خـود ارادیـت پـر پرنسـیپ ولاړ دي.

بـاید پـه دغـه پـریکړه لـیك کـي دعـراق خلکـو تـه د واکمنـي دسپارلو نیټـه لـیك ذکـر شـوي وي. تـر څـو دعـراق خلـك پـه دي بـاوري شـوي وي چـي دنړیـوال تضـمین لـه مخـي بـه یـي پـه ټاکلي وخت لـه هیواد نـه بهرنـي ځواکونـه ووځـي او دخـپل ازاد مرنوشـت دټـاکلو لـه پـاره بـه پـه خپله پریکړه وکړي.

مـوږ دعـراق دخلکـو د خـود ارادیت حق تـه پـه درنـاوي سره هیله مـن یـوو چـي ددغـه غیرتـي او خـپواك اولـس د خلکـو د آزادي درنـاوي وشـي او مخکـي لـه دي چـي ددغـه هـیواد خلـك د خپلـي جایـزي ازادي او خـپلواکي لـه پـاره زیـاتو قربانـیو تـه چمـتو شـي او حـالات لـه کنـټرول څخـه ووځـي بـاید بهرنـي اشغالګر ځواکونه پـه خپلو بنکیلا کي پالیسـیو بـاندي نـوي نظـر وکـړي او دټولـو اسـلامي هـیوادونو لـه غوښتني سره سم په دغه هیواد کي هر ډول لاس وهـنه بـنده کـړي او دعـراق خـاوره او دحکومـت انـتخاب عراقـیانو تـه وسپاري.

ش-الماس

له بحران څخه دوتلو ...

مـوږ دتاریخ پـه ډیره نازکه مرحله کي یو. زموږ هر یو قدم په تاریخ کي پاتي کیږي حکومتونه ځي او راځي خو ولسونه پر ځاي پاتي وي نو ځکه باید په اساسي قانون کي د سیستم جوړولو له پاره هڅه وشي نه دا چي څوك پر موږ واکمن وي

ولسونه دي ازاد پـریښودل شـي. دسوتاژ او دهر ډول وړانکاري مخه بـاید پـه کـډه ونیـسو او همدارنګـه هغه اسـسي قانون عملي کیږي چي دخلکـو پر غوښـتنو ولاړ وي د هـم دولسـونو دملـي فرهـنګ اودینـي ارزښتونو دپلي کیدو ضمانت یي کړي وي. له دباندي نه را اخـتـل ځیني مفاهم. چي یوازي بهرنیان پري خوشحالیږي تیر شـو. پـه دي بـاب جمعیت اسلامي افغانسـتان له ټولو بهرنیو دوستانو څخه غوښتنې چي زموږ دملت او فرهنګي شرایطو پـه مدنظر نیولو کي زموږ مرسته وکړي. چي دا ډول اساسي قـانون بـه ثبات تضمین کړي.

پـه دي اړه زمـوږ خوشـبیني دا ده چي دبدخشـان ولایت پـه انتخاباتو کي دجمعیـت اسلامي مدبر مشـر وټـاکل شو او هغـه بـه دیـو اسـلامي عـالم او ددرپیمـي نـري دسیاسـتوال پـه توګـه داساسـي قانون پر مـوادو پـر میـحثو بـاندي حـاضر وي. او دا یو ډول تضمین دي. چي اساسي قانون بـه لـه افراط او تفـرایط نـه ژغـورل شـوي وي او د افغانسـتان د دینـي اصـولو او ملـي فرهنګ مطابق بـه یي دتصویب بهیر پر مخ روان وي.

دټولو ملي روښنفکرانو، ددین له سترو عالمـانو او د اساسـي قـانون دلـوي جرګـي له بـرخه والـو څخـه غـوارو. چـي دي مهمـي ملـي او تاریخي وثیقي ته پـه ځورا دقت او خیرنه وګوري او پـه مملکت کي دیو بـ ثباته نظام جوړولو له پاره ملي او دیني مسوولیت ادا کړو.

جمعیت اسلامي افغانسـتان لکه څنګه چـي دجهـاد پـه دوران کـي مخکښ و. اوس د بـیا رغاونـي پـر دوران او هـم دا چي ملك دهمیشـني ثبات ځواته لاړشي رغنده ګامونه یي دمبارزي طبیعي خصلت دي او له ټولو وطنوالو غواړي چي په پوره میـنه و اخلاص پـه دي لاره کـي لـه موسـه واخلو. دهغي ورځي پـه هیله چي به وطـن کـي دسولي او پوره تفـاهم پـه فضا کي دیو بل خبرونه غوږ کیدو او دټوپك او ډار ځاي قلم، خبره او ډاډ ونیسـي چـي دا دجمعیـت اسـلامي افغانسـتان همیشني آرزو ده

مسودهٔ قانون ...

مهـم دگـر نیز تاکید نمـوده انـد: "در ایـن رابطـه اظهـار نظـرها، پیشـنهادها ومشـوره هـا از جانـب عده یـی از مشـهور تریـن دانشـمندان حقـوق و قـانون مواصـلت ورزیـده اسـت کـه چـون تـازه گـی دارد، بـاید مورد توجه قرار گیرد."

وی در پاسـخ بـه پرسشـی چنیـن تاکیـد ورزیـد: "کوشـش مـی کنیم که پـوره باشـد، تکمـیل باشـد و تمـام جوانـب و تمـام احـتمالات ثبات و خوبـی آینـدهٔ افغانسـتان را در نظـر گرفـته باشـد. مـا بسـیار بـه دقـت کار مـی کنـیم، امـا آرزو منـدیم به زودی، متن قانون را به نشر بسپاریم."

ایـن در حالـی سـت کـه آقـای کـرزی هـیچ تـاریخ دقیقـی برای نشر مسـودهٔ قـانون اساسـی تعییـن نکرد و صـرفاً وعـده مـی سـپارد آن را بـه زودی بـه معرفـی و قضـاوت ملـت خواهد گذاشت.

امـا معلـوم نیسـت اعضـای محترم کمیسـیون تسـوید و تدقـیق قـانون اساسـی کـه مـدت هـا زحمت کشیدند و ایـن همـه بحـث و مناقشـه بـه راه انداختـند، چرا نتوانسـتند نقیصـه های بـه گفـته جـناب کـرزی در متن قانون را رفع نمایند.

حـالا کـه ایـن همـه دقت و تعمق فرسایشـی در کـار قـانون اساسـی جـریان دارد، در صـورتی کـه شـورای عالـی مـورد نظـر یـا لویـه جـرگه بخواهـد آن را تعدیـل و اصـلاح نمـاید، مقامـات مسوول دولت انتقالی اسـلامی در برابـر آن چـه موقفـی اتخاذ خواهند کرد!؟

بـاوجود همـهٔ ایـن نگرانـی هـا و دغدغـهٔ خاطـر کـه مسوولان برعدم نشـر مسـودهٔ قـانون دارنـد، بـاز هم ضـرورت ایـن کـه مسـوده قانون بعد از تدقـیق هـرچه زودتـر بـاید به نشر سـپرده مـی شـد و در برابـر دیـد وقضـاوت عـام قـرار مـی گرفـت، به هـیچ وجهـی منتفـی پنداشـته نمـی شـود، چـرا کـه مـردم انـتظار ندارنـد و عـده هـای مسـوولان بـه این ساد گی تحقق نیافته بماند.

رهایی متوکل از زندان ...

تمـاس هایـی از جانب برخی از اعضـای سـابق جنـبش طالـبان از جملـه مولوی وکیل احمد متوکل با دولـت صـورت گرفته و درآن تمایل و آمادگـی آنهـا بـرای همکـاری با حکومـت ابراز شده است اما دولت هـنوز جواب مثبت ویا منفی به این تماسها نداده است.

اعلامـیه مـی افـزاید: دولـت افغانسـتان هـیچ گونـه اقدامی برای تمـاس با مولوی وکیل احمد متوکل وزیـر خارجـه سـابق طالـبان ویا در جهت تائید آزادی او را تصدیق نمی نمـاید. مولـوی مـتوکل هـنوز در بـند نـیروهای ائتلاف می باشد. گزارشهای منتشـر شـده در رابطه با آزادی مولوی مـتوکل و این که وی تحت مراقبت خانگی است ،صحت ندارد."

در اواخر دوره حکومت طالبان، گاه از آقای متوکل به عنوان یکی از شخصیت های معتدل رژیم نام برده می شد.

در صـورتی که انگیزه آمریکاییان در آزادی وی پیشـنهاد مذاکـره بـا دولـت انتقالی به امید کمک به حل مسـأله عملـیات مسـلحانه نفـرات طالبان در افغانستان بوده باشد، باید نتـیجه گرفت که مقامات آمریکایی وی را دارای نفوذ در میان طرفداران طالبان تلقی می کنند.

بـر اسـاس یـک گـزارش معتبر مـتوکل از زنـدان رهـا گردیده است ودر کـابل مـی باشـد و بادوستان و اقاربش تماس دارد.

ایران پروتکل الحاقی ...

نگرانـی هـای ایـران در مـورد امضـای پـروتکل الحاقـی در خـلال مذاکـرات اخیر بـا محمـد البرادعـی، مدیـر کـل آژانـس بیـن المللـی انرژی اتمی در تهران، مرتفع شده است.

در عیـن حـال وی افـزود کـه براساس مذاکرات انجام شده، معلوم شـده اسـت کـه در قالـب پـروتکل الحاقی نیز مسایل مربوط به امنیت ملی ایران همچنان محرمامه باقی خواهد ماند.

چـندی پیش گـزارش شـد کـه کشورهای اروپایـی بـا ارسال نامه یی برای مقامات ایرانـی بـه آنان وعده دادنـد کـه در صـورت پذیـرش نظارت گسـترده بیـن المللـی، ایـن کشـورها مـایل بـه کمـک فنـی بـه برنامه های هسـته یـی صلح آمیز ایران خواهند بود.

بـی تـردید مقامـات دولـت جمهـوری اسلامی مـی تواننـد وعـده همکـاری اروپایـیان را بـه عـنوان امتـیازی در برابـر قـبول تعهـدات جدیـد در مـورد بـرنامه هـای هسـته یی خـود مطـرح و بـه ایـن وسـیله، بـا اعـتراض مخالفـان پذیـرش قطعـنامه شـورای حکـام مقابلـه کنـند. سـفیر وزیـران خارجـهٔ سـه کشـور بـزرگ اروپایـی انگلسـتان و آلمـان و فرانسـه در روز سـه شـنبه گذشـته و تـن دادن ایـران بـه امضـای پـروتکل الحاقـی در برابـر تضـمین هـای آنـان شـاید امتـیازی بـود کـه ایـران بـرای دسـت آوردن آن تـلاش مـی ورزیـد. از سـوی دیگـر امضـای ایـن پـروتکل در نهایت شـاید نشاندهٔ ایـن امـر باشد کـه ایـران تـا هـنوز دسـت بـه تولید سـلاح اتمـی نزده اسـت والا برایند امضـای ایـن پـروتکل در هـر صـورت تفاوتـی چـندان بـر رونـد بـرنامهٔ هسـته یـی ایـران نخواهـد گذارد.

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره ۴۹ چهارشنبه ۳۰ میزان ۱۳۸۲ ۲۶ شعبان المعظم ۱۴۲۴ - 22 October 2003

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

رهایی متوکل از زندان نیروهای آمریکایی در میان رد و قبول



به گفته سخنگوی حامد کرزی، رئیس دولت انتقالی افغانستان، وکیل احمد متوکل، وزیر خارجه رژیم طالبان از زندان آزاد شده است.

سخنگوی رئیس دولت انتقالی گفته است که آمریکاییان متوکل را عالیرتبه ترین مقام حکومت طالبان در بازداشت آنان در پایگاه هوایی بگرام را آزاد کرده اند.

وی گفت آمریکاییان پس از آن تصمیم گرفتند که متوکل را از زندان آزاد کنند که وی طی نامه یی پیشنهادی را برای گفتگو با دولت افغانستان ارایهٔ داد.

سخنگوی رئیس دولت انتقالی گفته است که دولت هنوز در مورد قبول پیشنهاد وکیل احمد متوکل تصمیمی نگرفته است.

پیشنهاد وزیر خارجه رژیم سابق طالبان در حالی مطرح می شود که فعالیت افراد مسلح طالبان در جنوب افغانستان، که ظاهرا موفق به سازماندهی مجدد خود شده اند و حملات آنها بر نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا و کارمندان سازمان های خارجی افزایش یافته است .

به گفته یکی از نزدیکان آقای متوکل، وی در حال حاضر در قندهار است و در بازداشت خانگی به سر می برد.

در هفته های اخیر گزارش های ضد و نقیضی در مورد آزادی وکیل احمد متوکل از بازداشتگاه آمریکاییان انتشار یافته بود اما این نخستین باری است که این گزارش از سوی یک مقام ارشد دولت افغانستان تایید می شود. اما یک روز بعد از این اظهارات ، به تاریخ ۳۰ میزان ریاست دولت طی اعلامیه یی مطبوعاتی که به دفتر مجاهد نیز مواصلت ورزید خاطر نشان نموده است که "دولت افغانستان وارد هیچگونه گفتگو یا مذاکره یی با اعضای سابق جنبش طالبان نگردیده است . ریاست دولت این موضوع را تائید می کند که ص۷

علی عزت بگوبیچ درگذشت



علی عزت بگوییچ رهبر مسلمانان بوسنیا ویکی از اندیشه ورزان بلند پایه جهان اسلام بعد از پنج دهه مبارزه وپیکار علیه اشغالگران دور ونزدیک به روز یکشنبهٔ گذشته درگذشت او توانست علیرغم تلفات سنگین بشری، جلوکشتار دسته جمعی ونسل کشی مسلمانان توسط صربها را کند، وکشورش را از زیر یوغ اسارت وبردگی برهاند واستقلال کشور خود را بگیرد.

مبارزات مستدام وپیگیر علی عزت بگویچ، وهمدستان وی باوجود قلت امکانات سرانجام پوزمتجاوزان واشغالگران را به خاک مالید وبه جهانیان ثابت ساخت که ایمان وعقیده

[illegible] سلاح به حمایت حفظ نوامیس ورد تجاوز می باشد.

جنایات صربها علیه مسلمانان آنهم در قلب اروپا وحتی در محدودهٔ ملل متحد در تاریخ بشریت بی سابقه بوده وگورستانهای دسته جمعی که اخیراً کشف شد گویای گستردگی جنایات صربها می باشد.

سرایوو پایتخت بوسنیا به مدت سه سال درمحاصرهٔ کامل صربها قرار داشت، ومانند کابل هر روز شاهد انفجار خمپاره وشهادت بی گناهان بود.

علی عزت بگوییچ در دوران حکومت کمونستی در یوگوسلاویا وزمانی که مارشال تیتو برآن کشور حکومت می کرد به جرم مبارزه وعضویت در انجمن مسلمانان به زندان افتاد.

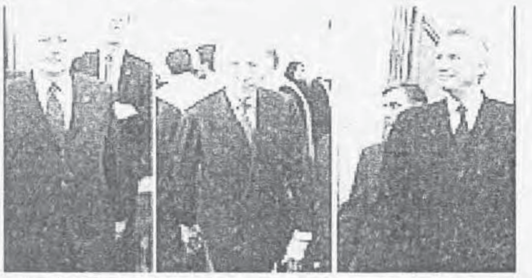
او بعد از فروپاشی بلوک شرق وازمیان رفتن نظام کمونستی در یوگوسلاویا، رئیس جمهور بوسنیا شد ودرمدت تجاوز واشغال صرب ها بر بوسنی رهبری گروه های مقاومت را برعهده داشت.

ایران پروتکل الحاقی را پذیرفت

دولت ایران بازرسی های سختگیرانه تر آژانس بین المللی انرژی اتمی از تاسیسات هسته یی این کشور در چارچوب پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته ای و توقف برنامه غنی سازی یورانیوم خود را پذیرفته است.

انجام بازرسی های گسترده و بدون اعلام قبلی در چارچوب پروتکل الحاقی و توقف برنامه غنی سازی یورانیوم، که محصول آن می تواند کاربرد نظامی داشته باشد، از جمله خواست های مندرج در قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی بوده است که تا آخر ماه اکتبر جاری به ایران مهلت داده بود تا به این تقاضاها عمل کند.

به گزارش خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - حسن روحانی، دبیر شورایعالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، در یک کنفرانس خبری مشترک با وزیران خارجه آلمان، بریتانیا و فرانسه در تهران گفت که ایران مصمم است اقدامات لازم را برای پیوستن به پروتکل الحاقی انجام دهد.



از راست به چپ - وزیران خارجه فرانسه، بریتانیا و آلمان برای مذاکرات وارد تهران شده اند

وزیران خارجه سه کشور اروپایی به منظور قانع کردن ایران به قبول قطعنامهٔ شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد پیوستن به پروتکل الحاقی و توقف برنامه غنی سازی یورانیوم به روز سه شنبه به تهران سفر کردند.

آقای روحانی، که در روزهای اخیر نظارت بر مذاکرات مربوط به حل اختلاف نظر بین جمهوری اسلامی و آژانس بین المللی انرژی اتمی را برعهده داشت، گفته است که "تهران مصمم است در زمینه پایان دادن به تنش کنونی در عرصهٔ فعالیت مشروع هسته یی خود مسایل باقی مانده با آژانس بین المللی را حل و فصل کند و اقدامات لازم را برای پیوستن به پروتکل الحاقی به عنوان هشتاد و یکمین کشور انجام دهد.

کمال خرازی، وزیر خارجه ایران، پس از ملاقات با وزیران خارجه سه کشور بزرگ عضو اتحادیه اروپا در تهران، ضمن ابراز رضایت از پیشرفت مذاکرات، گفته بود که جمهوری اسلامی در صدد دستیابی به تسلیحات هسته ای نیست و آماده است در صورت احترام به حقوق خود، در مورد برنامه های هسته یی گذشته و کنونی خود با کمال شفافیت عمل کند .جک استرا، وزیر خارجه بریتانیا، هنگام ورود به تهران در روز سه شنبه، ۲۰ اکتبر، گفت که هدف از سفر به تهران تشویق دولت ایران در این مورد است که نشان دهد در برنامه های هسته یی گذشته و کنونی خود چیزی برای مخفی کردن وجود ندارد.

حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه ایران تصریح کرده بود که بخش اعظم ص۷

انتخابات لویه جرگهٔ ...

ولسوالی ارگو، دوست محمد جوشن از ولسوالی شغنان و نیز دو تن از زنان این ولایت به نامهای کبرا دهقان و پری گل سروری در میان تجمع زنان فیض آباد به گونهٔ جداگانه انتخاب گردیدند. بدخشان نخستین ولایت می بود که انتخابات لویه جرگه تصویب قانون اساسی در آن برگزار شد.

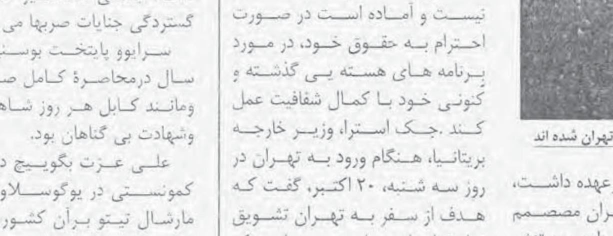
منابع و ناظران صحنه فضای این انتخابات را بسیار آرام گزاش دادند.

په اسلامی کنفرانس ...

محترم کرزي ويلي. چي زموږ جهاد اسلامي و او نړي مود کمونيزم له منګولو وژغور له اوس نو پر اسلامي هيوادونو لازمه ده، چي خپل اخلاقي مسووليت ادا کړي او له کندواله شوي افغانستان سره بسپني وکړي. افغانستان د مدنيتو نو د خبرواترو پر مرکزيت اوړيدلي دي

دماليزيا صدر اعظم بناغلي کرزي استقبال کړ او هم يي دخپلو نورو اسلامي مشرانو سره وکتل.

تول وطنوال وياړي چي هيواد يي بيرته په اسلامي کنفرانس کي خپل موقعيت ترلاسه کړ او جمعيت اسلامي تولو ته ددي ستري بريا مبارکي وايي



کابل شهر جاده های بسته